

رفیعی:

واحد پول کشور ریال است، برای سفر خارجی یورو می گیرند!

رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و گردشگری، درباره تصمیم اخیر مجلس برای اخذ ۱۰ یورو از سفرهای غیرزیراتی خارجی



گفت: ارز رایج مملکت ما ریال است، بعد به یورو از مردم پول می گیرند و در خزانه کشور می ریزند؛ چه کسی این اجازه را داده است؟ به گزارش انتخاب، حرمت الله رفیعی، افزود: اخذ ۱۰ یورو خلاف منافع نظام و اشتباه بزرگی است و امیدواریم شورای نگهبان مصوبه مجلس را رد کند. رفیعی در رابطه با معافیت سفرهای زیراتی از پرداخت ۱۰ یورو گفت: همین جزئیات هم مشکل است؛ چرا بین مردم مرزبندی می کنند؟ این رفتارها به مرور تبدیل به اختلاف می شود که چرا امثلا کسی که عراق می رود ۱۰ یورو را نمی دهد، اما من که برای کار و کار آفرینی به اروپای روم یا انگیزه تفریحی ندارم باید ۱۰ یورو بدهم. این اقدام نوعی تبعیض است. تمامی اقدامات دولت در کاهش سفرها تأثیر داشته است.

■ ■ ■

اخراج رئیس دانشگاه شریف در پی حواشی حجاب در مراسم فارغ التحصیلی

پس از ه های حضور دانش اموختگان پردیس بین الملل دانشگاه صنعتی شریف در جزیره کیش بدون حجاب ادامه دارد و در همین



راستا دیروز، رسول جلیلی، رئیس دانشگاه شریف با دستور محمدعلی زلفی گل، وزیر علوم، از سمت خود بر کنار شد. بر اساس گزارش هاوزیر علوم، عباس موسوی را به عنوان سرپرست جدید دانشگاه صنعتی شریف، معرفی کرده است. در حکم زلفی گل خطاب به عباس موسوی آمده است: «انتظار می رود با پیروی از آموزه های اسلامی... در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی حرکت شود.» دکتر علی شمسی پور، سخنگوی وزارت علوم در نشست خبری با تأکید بر اینکه اگر رسای دانشگاه ها چارچوب مدیریتی را رعایت نکنند، تغییر می کنند، گفت: حواشی اخیر دانشگاه شریف در تغییر رئیس این دانشگاه موثر بود، اما تغییر رئیس دانشگاه صرفا به این دلیل اتفاق نیفتاد بلکه بررسی عملکرد دو ساله عامل تغییر ایشان بود.

■ ■ ■

واکنش وزیر ارشاد به لغو کنسرت ها: قانون در همه استان ها یکی است

وزیر ارشاد درباره حاشیه های کنسرت اصفهان اظهار کرد: در دولت سیاست واحدی داریم و این اصلا



پذیرفته نیست که بخشی از قانون را رعایت کند و بخشی دیگری همکاری نکند. به گزارش سایت دیده بان ایران، محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه جلسه هیأت دولت، تأکید کرد: کسی حق ندارد قانون را معطل تفسیر خود کند. قانون روشن است. مادر اجرای قانون، سلیقه نداریم و همه متعهد به قانون هستیم و چیزی که مر و صراحت قانون است در موضوع اجراهای هنری و فرهنگی عمل خواهد شد.

■ ■ ■

بارای نمایندگان و در برنامه هفتم توسعه؛

اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه

بیمه می شوند

نمایندگان مجلس وزارت ارشاد و صدا و سیما را مکلف کردند تا نسبت به پوشش بیمه تامین اجتماعی اعم از خدمات درمانی و بانشتستگی اصحاب



فرهنگ، هنر و رسانه اقدام کنند. به گزارش ایلنا، این تصمیم در جریان بررسی جزئیات لایحه برنامه هفتم توسعه، بند (الحاقی ۴) ماده ۷۵ این لایحه اتخاذ شد.

■ ■ ■

«قطع فوری» به جشنواره چنای هند راه یافت

فیلم سینمایی «قطع فوری» به کارگردانی و تهیه کنندگی مریم بحر العلومی برای حضور در بیست و یکمین جشنواره



Channai International Film Festival انتخاب شد. به گزارش ایلنا به نقل از مشاور رسانه ای پروژه، جشنواره چنای هند از مهم ترین رویدادهای هنری هندوستان است که طبق روال هر سال ۱۴ تا ۲۱ دسامبر (۲۳ تا ۳۰ آذر) در شهر چنای هند برگزار می شود. بحر العلومی فیلمنامه «قطع فوری» را مشترکا با لیلانیکزاد به نگارش درآورده و قصه ای عاشقانه در شبی را روایت می کند که زمین لرزه ای پنج ریشتری، تهران را می لرزاند.

نگاهی به وضعیت اکنون تئاتر تهران

گیشه شما را قورت خواهد داد



احسان زیور عالم

وضعیت مرکب از نوعی سرگیجه اجتماعی و کلاف سردگم اقتصادی که محصولش بار روانی منفی روی دوش اکثریت جامعه است، جامعه ای متشکل از فرودستان و میان دستان که برای ارتزاق روزانه خود مجبور به تالشی سخت و طاقت فرسایند بی آنکه چشم اندازی روشن از آینده داشته باشند. این وضعیت نیز نیست. حداقل جریانی از تئاتر روبه رو خواهیم بود. جریانی که برخی آن را نامتنااسب با وضعیت کنونی ایران می دانند،

نسبتاً مشابه این طبقه متوسط بود که بیش از دیگران دچار برآشفتنگی درونی شد که یکی از جلوه هایش را می توان در تمنای مهاجرت جستجو کرد. با یادآوری چنین جهان های مشابهی شاید بتوان بهتر درباره آینده کوتاه مدت تئاتر ایران دست به پیش بینی زد. برای مثال پس از وقایع سال ۸۸ تئاتر ایران با مشکل تازه ای از مفهوم آتر اکسیون مواجه شد که از قضا بر ساخته مهره های نزدیک به دولت وقت بود. نمایش هایی با

درباره نمایش های «گاو کش»، «این دنیا به کنسرت به من بدهکاره»، «اتاقی در هتل» و «ریچارد کوتاهی؛ جهنم روده»

طوفان در فنجان چای؛ تئاترهای بی مسأله و گیشه های پر حاشیه



محمد حسن خدایی

آخرین روزهای آبان ماه مصادف شده با بارش باران و برف و سرمای هوا. بعضی از اجراهای پرفروش به پایان رسیده و صحنه را ترک کرده اند. فی المثل می توان به دو اجرایی اشاره کرد که از روند دشت آرای در سالن اصلی تئاتر شهر به صحنه برد و با حضور چهره های شناخته شده سینما، فروش خوبی نصیب خود کرد. حال با سرد شدن هوا و مسائلی چون وارونگی و پایین آمدن کیفیت هوا، باید دید بحران مخاطب به کدام سو خواهد رفت و اغلب اجراها چگونه از پس هزینه های سرسام آور تولید بر خواهند آمد. بحران های اقتصادی در کنار شدت یافتن دستور العمل های هیئت نظارت و ارزشیابی، پیکره کم جان تئاتر را بیش از این به مخممه انداخته و به لحاظ زیباشناسی و نوآوری های فرمی، به محافظه کاری دامن زده است. این روزها همچنان پرسش از چرایی تولید و به صحنه آوردن در صدد یادی از اجراها مفتوح است و مذاقه در باب نسبت این اجراهای بی مسئله با وضعیت اینجا و اکنون ما، امری ضروری. بعضی از این تولیدات به اصطلاح هنری، محصول دوره می دوستانه چند جوان جوانی نام است که توانسته اند یک «تهیه کننده» بیابند و با قانع کردن اش، هزینه ماجراجویی های خویش را تأمین شده یابند. دور باطلی از تولید و عرضه تئاتر که توهم رونق و تولید خلاقه را در ذهن مخاطبان و مسئولان هنری کشور ایجاد می کند.

این هفته و بنابر سنت چند ماهه روزنامه، به تعدادی از اجراهای تئاتری کلاشنهر تهران می پردازیم. تئاتری با بسیار بازنده و انگشت شمار برنده خوش شانس. همان افرادی که بلده هستند در زمان مناسب در مکان مناسب باشند.

نمایش اول - گاو کش

نمایش گاو کش به نویسندگی می پردازد که در آخرین نوشته اش، ماتادورهای اسپانیایی را روایت می کند. نویسنده که روزنامه نگاری ایرانی است برای اتصال با جغرافیای سرزمین گاو بازها و ماتادورها، به ذهنیت خویش پناه برده و مدام با فیکورهای مهم مسابقات گلوبازی در یک جهان سوپز کنتیو هم کلام می شود. مهدی میرزائیان که نویسنده گی، بازیگری و کارگردانی این نمایش را بر عهده دارد چندان که باید نتوانسته یک موقعیت تکن تاریخی بسازد که مخاطب ایرانی آن را به اندازه ادراک کند. گویی اجرا لازم نمی بیند بیش از این موضع و چشم انداز تاریخی خویش را آشکار کند و چرایی کنش روزی ها و روابط شخصیت ها را برساند. نویسنده که در ذهنیت خویش تمنای روایت کردن گلوبازی ماتادور ها را دارد در عینیت زندگی با زنی که دوست می دارد گفتگوهای جالبی می کند. بنابر این نویسنده مابین دو فضا سرگردان است و مدام از زندگی روزمره در ایران به اسپانیا سفر ذهنی می کند.

نمایش گاو کش را می توان مرثیه ای برای پایان یافتن عصر قهرمانان دانست. البته چرا چندان به این مسئله پاسخ نمی دهد که چرا یک روزنامه نگار ایرانی باید به این شکل روایتگر اسپانیای ماتادورها باشد. فی الواقع نسبت این اجرا

حضور چهره های مشهور سینمایی و بارویکردی مرکب از موسیقی و رقص و کمدی نتیجه اش پرشدن گیشه برخی فیلم های خاص و انهدام گونه های دیگر تئاتری بود. البته در آن سال ها بازگشت رئالیسم اجتماعی از سوی گروهی جوان شاید در مقام ناجی عمل کرد؛ اما تئاتر ایران نشان داده برایش رئالیسم امری موقتی است و واکنشی است صرفاً به همان سردرگمی اجتماعی. در عوض، تئاتر ایران در هر بزنگاهی که روی آراش می بیند، تلاش می کند به یک رویه هذیانی بازگردد. این رویکرد هذیانی البته امری منفی نیست، امتیازهای از سوررئالیسم و خیال پردازی و سمبولیسم است که در آن قرار است همه چیز در ظاهر ایران زدایی شود؛ اما در باطن حامل پیام هایی درباره وضعیت کنونی باشد. از قضا این مدل نمایش ها گستره بیشتری نسبت به گونه های رئالیستی دارد؛ چون با خطر کمتری در امر سانسور مواجه می شود.

کافی است نگاهی به موفقیت نمایش «بک توبلک» ببندازیم تا دریابیم با چه چیزی روبه رو خواهیم شد. نمایش سجاد افشاریان پیش از اتفاقات اخیر در ایران روی صحنه رفته بود. در همان زمان نیز با موفقیت های گیشه ای و تبلیغات پرآب و رنگی همراه بود؛ اما بجز چند نقد مختصر، کمتر کسی علیه نمایش حرف زد یا آن را پدیده ای ضد اجتماعی می خواند. کما اینکه نگارنده در همان زمان نوشته بود ساخته سجاد افشاریان برآمده از وضعیت کنونی ایران است که تمایل زیادی به مصرف مواد خوشمزه به پیش بینی زد. برای مثال پس از وقایع سال ۸۸ تئاتر ایران با مشکل تازه و سالم تر، چیزی برآمده از جهان مجازی که به صورت فست فودی به مخاطب عرضه می شود. اجرای مجدد نمایش افشاریان این بار در سالن

اصلی تئاتر شهر - که بعدها در تاریخ تئاتر ایران بازتاب انتقادی جذابی پیدا خواهد کرد - با نقدهای تندی روبه رو شد. عده کنسیری آن را روبه مزورانه علیه اتفاقات اخیر ایران معرفی کردند - هرچند نمایش اساساً در تاریخ دیگری تولید شده بود - و عده ای آن را اثری از تجاعی برخوانند. درباره این نقدها می توان ساعت ها حرف زد؛ اما واقعیت آن است که در جامعه ای که خوراکش همان فست فود فکری است و آرمانش موفقیت مالی، فرم اجرایی افشاریان تکثیرپذیرترین فرم ممکن و موفق ترین گیشه روی صحنه است. تداوم وضعیت با دو اجرا از آروند دشت آرای و چند نمایش برجسته شده در ایرانشهر نیز گواه این مسأله است که چطور ذائقه تئاتری جامعه ایران پس از برآشفتنگی های اجتماعی سو و طرف پیدامی کند.

تاریخ ایران نشان داده است در بزنگاه های خشم آلودش، در فرار از وضعیت های عصبی روبه طنز می رود و از قضا این طنز همواره از مطایبه به سوی هجو و هزل های آغشته به مسائل جنسی سوق می یابد، یعنی همان چیزهایی که به نظر وضعیت دینی حاکم با آن مخالفت دارد. البته این رویه یک واکنش طبیعی است و اساساً نباید مخاطب این آثار را نکوهش کرد و قطعاً هنرمند تئاتر بر حسب عادت می داند در چنین وضعیتی برای بقای اقتصادی خود باید به تئاتر کمدی روی آورد. بازگشت نیل سایمون به تئاتر ایران از اکنون رخ داده است و به زودی ما باید شاهد گونه هایی از کمدی هایی باشیم که در برخی نشریات دست راستی با صفت سخیف از آنها یاد می شود. اما موفقیت گیشه این نمایش ها برای سالن های دولتی نیز دلچسب است، کما اینکه این اتفاق در همان دوبزننگاه

آینده تئاتر ایران ترکیبی از فرم «بک توبلک» و کمدی های آنچنانی و نمایش های معناگیز است و به احتمال قوی تر این مسأله به نمایش های دولتی هم رسوخ خواهد کرد. نمایش های مذهبی با جملات بی معنای هپروتی، شبیه به جملات و سکنات کلیپ های والیته استفاده افراطی از ویڈئو مپینگ و نورهای LED

مذکور در مجموعه تئاتر شهر و رودکی رخ داد. نمایش هایی که حتی با عنوان مذهبی با شوخی و رقص آغشته می شدند و بدون داشتن جذابیت های داستانی، تلاش می کردند در دو ساعت تفریحی برای جامعه مخاطب تولید کنند. آینده تئاتر ایران ترکیبی از فرم «بک توبلک» و کمدی های آنچنانی و نمایش های معناگیز است و به احتمال قوی تر این مسأله به نمایش های دولتی هم رسوخ خواهد کرد. نمایش های مذهبی با جملات بی معنای هپروتی، شبیه به جملات و سکنات کلیپ های اینستاگرامی و البته استفاده افراطی از ویڈئو مپینگ و نورهای LED. در این آینده سهم کارهای تجربه گرا یا کارهای دانشجویی نیز معطوف به تبعیت از این ذائقه است. به خصوص آنکه در تئاتر ایران با دو وجه رفتن یا نرفتن به سالن، چه در میان مخاطب و چه در میان اجراگران حاکم است. هرچه هست، این آینده برای تاریخ تئاتر ایران یک فصل مهم خواهد بود.

به زمان حال می آید نمایشی تر می شود. از یادنبریم که اغلب تک گویی هایی که در تئاتر ماروایت می شود برمدار شرح دادن اتفاقات گذشته است به محاق بردن مناسبات اینجا و اکنون. بنابر این بهتر است که تک گویی ها از روایت گذشته فاصله گرفته و اکنون را روایت کنند تا بدین هایتوانند حضوری مبتنی بر امر تئاتر یکالینته داشته باشند.

نمایش سوم - اتاقی در هتل

بار دیگر نیل سایمون به صحنه تئاتر تهران بازگشته و این بار مونراف جاد تلاش دارد یک زوج بحران زده را در دو موقعیت جغرافیایی متفاوت بازگو کند. یکی امریکا و دیگری ایران. شاید نقطه قوت این اجرایی مونراف جاد باشد که پرانرژی توانسته در دو اپیزود را با توجه به محدودیت های حضور زنده، باورپذیر کند. با آنکه اجرا پیشنهاد تازه ای ندارد و فرم های تثبیت شده را باز تولید می کند اما توانسته سلیقه تماشاگران طبقه متوسطی مجموعه ایرانشهر را راضی نگه دارد. نیل سایمون باطنزی که بکار می گیرد به روابط در حال ویرانی عشاق می پردازد و این مسئله برای مردمان طبقه متوسط جهانی شده در گوشه و کنار جهان جذاب و تماشایی است. در اپیزود اول این مکان امریکا است و در اپیزود دوم یک آپارتمان در شهر تهران. مونراف جاد با این موازی سازی ها، ایده مشترک بودن فرجام زوج های جوان را بی گرفته و شکلی از این همانی مابین عشاق را به نمایش می گذارد. با آنکه مدتی است تب و تاب نمایشنامه های نیل سایمون خوابیده و کمتر شاهد اجرای نمایشنامه های هستیم اما این اجرا نشان داد که با خوانشی تازه می توان بار دیگر به نیل سایمون بازگشت و مخاطبان را کامیابش راضی از سالن به خانه فرستاد.

نمایش چهارم - ریچارد کوتاهی؛ جهنم روده

سجاد یاری در مقام نویسنده کارگردان به نمایشنامه «ریچارد دوم اجرانی می شود» و یسنی یک پرداخته و تالیفی تازه از این متن را در سالن اصلی تئاتر مولوی بر صحنه آورده است. روایتی که از جهان و یسنی یک فاصله گرفته و با تاریخ زدایی از آن، روایت کابوس و آرای این نویسنده را به ذهنی شدن بیشتر سوق داده. بازیگران آماتور و تازه کار اجرا چندان نتوانسته اند از پس مناسبات درون متن بر آیند و اجرا از این منظر گرفتار کاستی های است. از یادنبریم که و یسنی یک چگونه با خلق یک جهان هراس زده و تحت نظارت همیشگی حاکمیت استالینیستی، توانسته زندگی تراژیک میرهولدرادر یکی از دشوارترین دوره های تاریخی شوروی تحت فرمان استالین روایت کند. اما خوانش سجاد یاری از مهابت این نگاه خیره حکومت استالینی کاسته و فی المثل با رجاع به استعاره روده، تلاش کرده مفهوم آزادی را به آزادی در روده تقلیل دهد. در نمایشنامه و یسنی یک، همه افراد و ارکان در خدمت اجرایی کردن زیباشناسی تام استالینیستی و تازه آن هم تحت عنوان رئالیسم سوسیالیستی. چرا که انقلاب اکثریت قرار بود انسان طراز نوین خلق کند و یکی از عناصر این تغییر دادن انسان ها بی شک هنر بود. نمایش «ریچارد کوتاهی؛ جهنم روده» هرگاه به نمایشنامه و یسنی یک نزدیک شده و قسمت هایی از آن را اجرایی می کند موفق است و هرگاه به تالیف کارگردان میدان می دهد بدل به اجرایی سلخته و پرایرادی می شود. گویا گروه های اجرایی در ایران علاقه ای به اجرای کامل از نمایشنامه های منتشر شده و امتحان پس دهنده را دوبه هر طریقی می یابست با بازخوانی های نه چندان خلاقانه مخاطبان را گرفتار روایت هایی گنگ و بی رمق کنند. فی الواقع ما از این خوانش های شخصی از آثار خوب جهانی چیست؟ هرچه هست تلاش هایی است شکست خورده و ماجراجویانه.



نمایش دوم - این دنیا به کنسرت به من بدهکاره

همکاری امیر مهدی زوله و الیکا عبدالرزاقی مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته است. سه پند خیربادی در آخرین نمایش خود که این شب بهادر سالن چارسوی مجموعه تئاتر شهر بر صحنه است، فروپاشی هویتی و شخصیتی مردی را روایت می کند که در رابطه با زنان دچار اختگی و نا کامی است. او که میهران نام دارد و این روزها گرفتار بحران میان سالی، مقابل تماشاگران ایستاده و زندگی سرکوب شده اش را با آب و تاب تعریف می کند. زوله در نقش میهران، گویی در حال اجرای یکی از استند آپ کمدی هایش است. کامیابش همان فاصله خنثار روایی و طنز مبتنی بر جنسیت و سترونی. البته با حضور الیکا عبدالرزاقی این فضا تک نفره شکسته شده و شکلی از گفتگو پدیدار می شود. عبدالرزاقی که به تازگی نمایش هملت را در مجموعه ایرانشهر با هنر جوان جوان به صحنه آورده بود، در اجرای سه پند خیر آبادی، توانسته با مهارت قابل قبولی، چندین نقش را اجرا کند. گاهی یک زن ادایی و وسواسی و گاهی یک پلیس و کارآگاه شود. ترکیب این دو بازیگر برای مخاطب طبقه متوسطی این نمایش، جذاب بوده و توانسته در جلب مخاطبان موفق ظاهر شود. سه پند خیر آبادی در این نمایش از روایت های تجربی، پسامدرن و آخرالزمانی اش فاصله گرفته و اجازه داده این دوبازیگر یک فضای صمیمی و با مزه را خلق کنند حتی تصاویر ویدئویی که به نمایش درمی آید چندان نتوانسته این فضای دونفره را تحت تأثیر گذارد.

این اجرا از منظر روایی بر همان مکانیسم زمان گذشته می چرخد و هرگاه